پژوهش نامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صص ۱۴۱ـ۱۶۳ (مقاله پژوهشی)

No. 27, Autumn & Winter 2020/2021

نمود علمی و پیش‌فرض‌های تفسیری کتاب «تأویل مشکل القرآن» ابن قتیبه در بوته نقد و تحلیل

محمدعلی حکمت[۱]، بخشعلی قنبری[۲]، صدیقه نصیر اوغلی خیابانی[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۶/۳ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۸/۵)

چکیده

ابن قتیبه دینوری از مفسران به نام قرن سوم هجری اهل سنت با گرایش حدیثی مخالف معتزله و در سلک عالمان بزرگ عصر خود بود که در اثر سترگ خود یعنی «تأویل مشکل القرآن»، به غور در قواعد و صناعات آیات قرآن پرداخته و وجوه قرآن و متشابهات آن را تفسیر کرده است. در خصوص جایگاه علمی ابن قتیبه لازم به ذکر است که ایشان تسلط کم نظیری بر علوم مرتبط با تفسیر داشته است ولی با این همه در تفسیر خود از ظن و گمان بهره برده و در مواردی نیز روایات مورد استناد وی چندان موثق نیستند. تفسیر وی صبغه فقهی داشته و در این خصوص فقه عامه با گرایش حنفی نمود بیشتری دارد. البته ایشان قرآن را تبیان همه معارف و احکام دینی محسوب می‌کند ولی این ادعا از منظر روایت شیعی حدیث ثقلین تأیید نمی‌شود. پیش فرض‌های تفسیری وی خیلی گسترده است. از جمله قدسی و الهی بودن نص قرآن، مصونیت لفظی قرآن، جاودانگی دعوت قرآن، تفسیرپذیری قرآن و امثال آنها؛ ولی با این همه از منظر روایات شیعی ضعف‌هایی نیز دارد از جمله اینکه فقط به ذکر روایات بسنده کرده و در بیان مفردات نیز فقط به صرف ادعا اکتفا نموده است. ابن قتیبه همچنین به برخی از روایات موثق اهل بیت اعتنا نکرده و در نقل روایات نیز گزینشی عمل کرده و دست آخر اینکه برخی از روایات را نیز علیرغم غیرعقلایی بودن آنها ذکر نموده است.

کلید واژه‌ها: ابن‌قتیبه، تأویل مشکل القرآن، تفسیر، حدیث، فقه

---

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
mhekmathafdaran@yahoo.com
۲. دانشیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)؛
bganbari768@gmail.com
۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
khiabani2001@hotmail.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

۱ـ بیان مسأله

قرآن‌کریم به عنوان آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی برای سعادت و تعالی دنیوی و اخروی بشریت نازل شده و خداوند همه انسان‌ها را در این کتاب به ضیافت خویش و بهره‌گیری از معارف ناب دعوت نموده است. حضرت علی(ع) آن را کتابی خیرخواه، هدایت‌گر، راستگو، ثقل اکبر و سعادت آخرین توصیف می‌کند.

این کتاب درخشان از همان لحظه نزول مورد توجه و اهتمام فقها، مفسران و اندیشمندان شیعه و اهل سنت قرار گرفت. از جمله بزرگان این عرصه ابومحمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری در قرن سوم هجری می‌باشد. ایشان در اثر سترگ خود «تأویل مشکل القرآن» سعی بر آن داشته که آیاتی را که از سوی برخی مورد اشکال قرار گرفته را مورد تفسیر و تأویل قرار دهد و بر این باور است که در آیات قرآن کریم اشکال و تعارض وجود ندارد و این نگرش ناقص و غیراصولی اشکال تراشان است که چنین ابهامی را موجب می‌شود.

علیرغم اینکه ابن قتیبه در احاطه بر علوم بر تفسیر از علمای مطرح می‌باشد و در عصر خود جامع علوم قرآن، حدیث و ادبیات عرب بوده است ولی با این همه ضعف‌ها و کاستی‌هایی نیز در دسته‌بندی روایات و ارائه سند و مواردی از این قبیل دارد و در خصوص پیش‌فرض‌های تفسیری وی نیز چون معتبر دانستن قرائات هفت‌گانه ایراداتی بر ایشان وارد است که در مقاله حاضر مورد تشریح و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲ـ مقدمه

قرآن‌کریم برترین کتاب آسمانی است که از جانب خداوند حکیم بر بشر نازل شده تا چراغ هدایت و راهنمای سعادت وی در تمامی امور و زوایای زندگی باشد. بنابراین هر چقدر انس و الفت بشر با این معجزه جاوید خداوندی بیشتر باشد و هر چقدر بیشتر به درک و فهم مفاهیم و معانی این کتاب سترگ برسد به همان میزان رستگاری وی در هر دو

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

جهان تضمین شده است. عالمان شیعی بر این باورند که فهم کامل معارف، علوم و احکـام قـرآن ویژه پیامبر اکرم(ص) و اوصیای گرانقدر ایشان است و در مرتبه‌ای پایین‌ترفهم، مراتبی از معـانی و احکام قرآن برای غیر پیامبر(ص) و امامان معصوم (علیهم‌السلام) نیـز امکـان داردو هـر قـدر تفقه و تدبر در این اقیانوس ژرف و بی‌کران بیشتر باشـد، صـید مرواریـد دانـش و معرفـت نیـز فزونی خواهد یافت. از این روست که مسلمانان از همان ابتدا در طریق فهم عمیق‌تـر قـرآن بـه تفسیر آن روی آوردند و در این مسیر مفسران بزرگی در جهان اسلام ظهور نمودند.

از جمله مفسران متقدم و بزرگ جهان اسلام، ابومحمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری می‌باشد که از عالمان بزرگ سنی قرن دوم هجری قمری با گرایش اهل حـدیث و مخـالف معتزله بوده است. آثار این اندیشمند توانا را تا شصت و پنج مورد ذکر کرده‌اند که از جملـه آنها کتاب «تأویل مشکل القرآن» می‌باشد و موضوعات بحث آن نیـز عمـدتاً در خصـوص قوت بیان عرب، گستردگی دایره مجاز در زبان عربی، وجوه قرآنی و متشابهات آن، مجاز، استعاره، مقلوب، حذف، اختصار و امثال آن می‌باشد.

در واقع ابن قتیبه در این اثر به تفسیر، شرح و تأویل آیاتی که مورد اشکال قـرار گرفتـه، پرداخته است. خود ابن قتیبه در این باره چنین نظر می‌دهد که مشکل را بدین جهـت مشـکل نامند که دارای مشکل گردیده، یعنی با دیگری همانند گشته و با آن شبیه و هم شکل شـده و از نظر معنا و مفهوم غامض بوده و در ظاهر از نظر نظم، مورد اشکال باشد. هدف عمـده ابـن قتیبه از تألیف این اثر، اثبات عدم وجود مشکل، تناقض و تعارض در آیات قرآن می‌باشد.

دستاورد این اثر گرانسنگ این است که تناقض در قرآن وجود ندارد بلکه در یـک جـا عام، مطلق، ناسخ و در جای دیگر خاص، مقید و منسـوخ اسـت و اگـر کسـی بخواهـد از قرآن‌کریم مطلبی را برداشت بکند، باید در آیات یک موضوع جامع نگری و احاطه داشـته باشد و از همه مهمتر به صدر و ذیل آیات عنایت کند تا تفسیر، تأویـل و تـدبری شایسـته ارائه کند. قرآن کتابی پیراسته و نوری واحد برای هدایت بشریت است.

با این همه به نظر می‌رسد که این اثر تفسیری ابن قتیبه، با لغزش‌ها و کاستی‌هـایی همـراه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

بوده است. در این مقاله سعی بر آن است که این ضعف‌ها در خصوص قدرت علمی ابن قتیبه و پیش فرض‌های ایشان در عرصهٔ تفسیر مورد تحلیل و تنقید قرار بگیرد. با بررسی‌ها و مطالعاتی که انجام گرفت مشخص گردید که تا به حال در مورد جایگاه تفسیری ابن قتیبه تحقیقی جدّی انجام نگرفته است؛ بنابراین مقاله حاضر از این نظر جدید و بی‌بدیل می‌باشد.

روش تحقیق در مقاله حاضر کتابخانه‌ای می‌باشد. با مراجعه به منابع اطلاعات اولیه اخذ و مورد کنکاش قرار گرفت. رویکرد مورد نظر در این نوشته مساله محور می‌باشد. این رویکرد یکی از شیوه‌های اثربخش در تدبر و فهم آموزه های قرآنی است که محقق با طرح پرسش سعی بر آن دارد که با غور و تأمل در آراء و نظرات محققان و تدبر شخص محقق به پاسخی شفاف و دقیق دست یافته و حقایق ژرف قرآنی را عیان نماید تا بدین ترتیب دریچه‌های جدید معرفتی به روی پژوهشگر باز شود. پرسش بنیادین این است که پیش فرض‌های تفسیری ابن قتیبه دینوری چیست و چه نقض‌هایی دارد و در این راستا با غور در آثار ابن قتیبه و سایر منابع تفسیری مرتبط سعی بر آن است که پاسخی در خور ارائه شود.

۳ـ نمود علمی ابن قتیبه در عرصه تفسیر

از جمله علومی که در تفسیر مؤثر می‌باشد علم لغت است که مفسر با بهره‌گیری از آن، معانی حقیقی و مجازی واژه‌های قرآن و با استفاده از صرف و نحو، ساختار الفاظ قرآن را به تنهایی و معانی آن‌ها را در ترکیب با کلمات دیگر می‌شناسد و با کمک علوم معانی و بیان و بدیع، فصاحت و بلاغت آیات قرآن را که مطابق با اقتضای حال مخاطبان و حاوی اسلوبهای بیانی از قبیل تشبیه و استعاره و مجاز است، کشف می‌کند. از سویی آگاه بودن مفسر از برخی مباحث علوم قرآن که در حکم مقدمه‌ای برای فهم و تفسیر قرآن است، مفسر را یاری می‌کند تا قرائت صحیح الفاظ قرآن و نیز ترتیب و اسباب و شرایط نزول آیات را در یابد (ذهبی، ۱۷۷/۲). همچنین به دلیل ارتباط تنگاتنگ تفسیر با روایات، مفسر برای تشخیص روایات معتبر ناگزیر از شناخت متون حدیثی و آشنایی با شرح حال راویان است. علم اصولفقه نیز قواعدی در اختیار مفسر قرار می‌دهد که از طریق آنها به اقسام

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

دلالتهای کلام و شرایط حجیت آنها پی می‌برد. ضرورت آشنایی مفسر با علم فقه و کلام نیز از آن جهت است که بخش شایان توجهی از آیات قرآن شامل آیات احکام و نیز مباحث اعتقادی است (صفوی، ۵۷).

از جمله علومی که برای تفسیر قرآن کریم لازم است، علم موهبت می‌باشد. در توضیح باید گفت که در میان علوم یاد شده، روش اکتساب علم موهبت متفاوت با سایر علوم است. مفسر این علم را از طریق عمل به دست می‌آورد و خداوند آن را به هر کسی که به دانسته‌های خویش عمل نماید، عنایت می‌کند (راغب، ۳۷/۱). بر اساس این مطلب که در برخی از آیات (البقره، ۲۸۲؛ الانفال، ۲۹ و العنکبوت، ۶۹) و در روایات (مجلسی، ۱۲۸/۴) به آن اشاره شده است، هر اندازه که شخص از پاکی‌نفسانیِ بالاتری برخوردار باشد، میزان فهم او از آیات قرآن بیشتر خواهد بود. ابن قتیبه کسب این علم را برای مفسر ضروری نمی‌داند زیرا این امر با اصل فهم معانی قرآن ارتباطی ندارد و مرتبط با مقوله تأویل است (آلوسی، ۷). ابن قتیبه علوم مورد نیاز مفسر را به گونه‌ای دیگر مطرح نموده و به عقیده او آگاهی از این علوم لازمه مراتب عالی تفسیر است (زمخشری، ۱۴۲).

ابن قتیبه با توجه به جایگاه علمی بلندش، شرایط یک مفسر را دارا بود. او ادیبی ناقد و بر آموزش شاگردانش حریص و علاقه‌مند بود و ادب را مقدم بر تعلیم می‌دانست و به اصلاح زبانها و قلم‌هایشان می‌پرداخت. و دیوان شعر و کتاب الشعراء نیز دارد و به همین خاطر در تفسیرش از شعر به عنوان شاهد مثال استفاده نموده است (جربی، ۲۱۱/۲). ابن‌قتیبه بسیار تأثیرگذار بوده و سبک نوشتاری بیشتر آثارش ادبی است تا جایی که او را سومین نویسنده و بزرگ نثر عربی بعد از ابن مقفع و جاحظ دانسته‌اند و این استعداد بیشتر از همه در کتاب «ادیب‌الکاتب» متجلی شده است.

ایشان در دوران رشد و بالندگی خود در بغداد از محضر اساتید و عالمان برجسته‌ای کسب فیض نمود و فضای باز علمی و فرهنگی بغداد آن عصر و تضارب و تعاطی آراء و افکار دینی بستر ساز رشد و تعالی علمی ابن قتیبه گردید (ابن‌حجر، ۱۲۷/۴). بنابراین

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

ایشان در عصر خود جامع علوم قرآن، حدیث، فقه، تاریخ، لغت و ادبیات عربی گردید و در حوزه ادبیات دومکتب بصره و کوفه را در هم آمیخت (ابـن نـدیم، ۱۰۵) و مکتـب جدیـد بغداد را تأسیس نمود (بروکلمان، ۲۲۱/۲).

بزرگان عرصه علم، ابن قتیبه را نحوی، لغوی، صاحب تصانیف بسـیار و بـدیع و مفیـد می‌دانند و همچنین وی را از عالمان اهل سنت مورد ثقه و متدین و فاضل معرفی می‌نمایند (خطیب بغدادی، ۱۱).

با این همه این اندیشمند ضعف‌ها و کاستی‌هایی نیز در نگرش علمی خود داشته که از چشـم اندیشه‌ورزان منتقد دور نمانده است. ابومنصور ازهری او را متهم به کذب نمـوده و بـر ایـن نظـر است که در بعضی از موضوعات دچار خطا و لغزش شده است. همچنین در مواردی بـر ظـن و گمان خود تکیه نموده و دلائل ضعیفی را در اثبات نظرات خود ارائه می‌دهـد (ازهـری، ۴۹/۱)؛ و حکایات و روایاتی از کوفیین آورده که موثق نیستند (ابن تغزی بردی، ۷۵/۳).

این قتیبه علیرغم چیره‌دستی در علوم عصر خود، در بیان و دسته‌بندی روایات مختلف قرآنـی، جز در موارد اندکی که با عنوان «قول» شرح داده، روایات را بدون هیچ توضـیحی یـا جمـع‌بنـدی لازم، ذکر کرده است و بخش زیادی از تفسیر وی روایی محض می‌باشد (شاکر، ۱۵۱).

همچنین ایشان در مواردی سند روایات را حذف کرده و بر این باور است کـه شـناخت سند چندان فایده‌ای ندارد در حالی که در مباحث نقلی می‌توان با بررسی سندی به صـحت و سقم یا قوت و ضعف روایت پی برد و به نتایجی که در روند تفسیر مـؤثر هسـتند دسـت یافت. این قتیبه در بعضی موارد روایاتی پیچیده و غامض را ذکر می‌کند کـه از فهـم انسـان دور است و این روایات نه تنها به تسهیل موضوع تفسیر کمکی نمی‌کند، بلکه بـر غمـض و دشواری آن می‌افزاید (صفوی، ۱۲۵).

استحسانی بودن و تعیین کننده نبودن برخی ملاک‌ها کـه بـرای نیکـوترین قرائـت ذکـر کـرده، بررسی نکردن برخی قرائت‌های مشهور و مؤثر در معنا و تفسیر نکردن آیات طبق آن، گزینش یـا ترجیح برخی قرائت‌ها به استناد برخی روایات بدون بررسی اعتبار آنها و متفـاوت بـودن آنهـا بـا

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

قرائت مشهور و رایج میان مسلمانان در همه اعصار، کم استفاده کـردن از منـابع لغـوی و از مـوارد استعمال کلمات قرآن در بیان معنای آنها، کم استفاده کردن از آیات دیگر در تفسیر، و توجـه کـافی نداشتن به قرائن عقلی از جمله کاستی‌های این اندیشمند در مبانی علمی ایشان می‌باشد.

٤ـ پیش فرض‌های تفسیری ابن قتیبه

می‌دانیم که مفسران همانند تمامی اندیشمندان سایر حوزه‌های علمی یکسری گزاره‌های پایه‌ای دارند که مبادی و بنیانهای تفسیر محسوب می‌شـوند ایـن مبـادی اگـر در محـدوده «تصوری» باشند، تحت عنوان «مفهوم‌شناسی» در مورد آنها بحث می‌شـود و اگـر در حـوزه «تصـدیقات» باشـند از جملـه اصـول و گـزاره‌هـای بدیهیـه و متعـارف، تحـت عنـوان «پیش فرض‌ها» از آنها یاد می‌شود (حجتی، ۱۲۷) و این پیش فرض‌ها بیانگر این موضـوع می‌باشند که مفسر اثر تفسیری خود را بر مبنای چه مبادی و تفکری بنیان نهاده است. یعنی مبادی که نیازمند اثبات و استدلال نیستند و فهم و درک مخاطب از آن مبادی کاملاً منطبق با نظر و ذهنیت نویسنده می‌باشد، مگر در اصول موضوعه که نویسنده در بادی امر بایسـتی به اثبات آنها نیز دست یازد. در واقع پیش فرض‌ها، مبانی تفسـیری هـر مفسـر را احصـاء می‌کنند چر ا که مبانی تفسیر قرآن به آن دسـته از پـیش فـرض‌هـا و اصـول موضـوعه و باورهای اعتقادی و علمی گفته می‌شود که مفسر با پذیرش و مبنا قرار دادن آنها به تفسـیر قرآن می‌پردازد (شاکر، ۴۰). در هر حال مفسران بزرگ، تفسیر و تأویل آیات قرآن کریم را با پیش فرض‌ها و مبانی بخصوصی پیش می‌برند و این پیش‌فرض‌هـا بـر کیفیـت تفسـیر و اظهار نظر و موضع مفسر تأثیرگذار است و مفسران تصریحاً یا تلویحـاً پـیش فـرض‌هـای مزبور را مبنا و راهنمای تفسیر خود قرار می‌دهند. غور در کتاب «تأویـل مشـکل القـرآن» ابن‌قتیبه نیز مبین، پیش‌فرض‌های بخصوصی از منظر ایشان در تأویل و تفسیر آیـات قـرآن کریم می‌باشد. لازم به ذکر است که مفسران در بخش اعظم مبانی مزبـور مشـترک هسـتند ولی در مواردی نیز تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. در زیر مبادی فرضی ابن قتیبه طـرح و از منظر روایات شیعی مورد تنقید قرار می‌گیرد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

٤ـ۱. قدسی و الهی بودن نص قرآن

مبداء و مأخذ خدایی داشتن آیات قرآن مورد تأیید تمامی مفسران و مسلمانان نحله‌های مختلف اعم از عامه یا امامیه می‌باشد. ابن قتیبه نیز در تأیید قدسی و الهی بودن نص قرآن به آیه ۱ سوره کهف استناد کرده و با بیان اینکه خدای تبارک و تعالی آن را راست و درست و روشن و آشکار نازل فرمود مصدر الهی داشتن قرآن را مورد تأیید قرار می‌دهد (ابن‌قتیبه، ۱۶۲).

قدسی و الهی بودن نص قرآن در روایات متعددی مورد توجه قرار گرفته است. رسول خدا(ص) در این باره چنین می‌فرمایند: «برتری قرآن بر سایر سخنان، همانند برتری خداوند است بربندگانش[1]» (مجلسی، ۸۹/۱۹).

همچنین حضرت علی(ع) در این خصوص می‌فرمایند: «بدانید که این قرآن پندآموزی است که خیانت نمی‌کند و هدایت‌گری است که گمراه نمی‌سازد و سخن‌گویی است که دروغ نمی‌گوید[2]» (سیدرضی، خطبه ۱۷۶).

بدین‌ترتیب می‌توان گفت که عالمان شیعه و سنی از جمله ابن قتیبه در مورد قدسی بودن نص قرآن هم نظر هستند (حجتی، ۱۰۲).

٤ـ۲. مصونیت لفظی قرآن

قرآن‌کریم از لحظه‌ای که نازل شده نه مفقود شده، نه مطلبی بر آن افزوده شده یا مطلبی از آن کاسته شده و این موضوع از مسلمات تاریخ و مورد اتفاق و قبول مسلمانان و حتی اندیشمندان غیرمسلمان است (جوادی‌آملی، ۱۲۸). و در میان علما و محققین شیعه و سنی مشهور و معروف است که هیچگونه تحریفی در قرآن کریم رخ نداده و قرآنی که مسلمانان در اختیار دارند دقیقاً همان قرآنی است که بر پیامبر(ص) نازل شده است. در این خصوص دلایل عقلی و نقلی متعددی به شرح زیر ذکر شده است.

---

۱. فَضلُ القُرآنِ عَلی سائِرِالکَلامِ کَفَضلِ الله عَلی خَلقِهِ

۲. وَ اعلَموا اَنَّ هذَاالقُرآنَ هُوَ النّاصِحُ الَّذی لا یَغُشُّ، وَالهادِی الَّذی لایُضِلُّ، وَالمُحَدِّثُ الَّذی لایَکذِبُ.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

۱- دلیل عقلی؛ با توجه به خاتمیت دین و نبوّت، اگر قرآن کریم تحریف می‌شد از آنجا که دیگر پیامبری مبعوث نمی‌شد که آن تحریف‌ها را ترمیم کند، لذا مردم گمراه می‌شدند بدون اینکه تقصیری متوجه آنان باشد این ضلالت مستند به خداوند می‌شد که این موضوع با قاعده لطف در تعارض است (مودب، ۱۷).

دلیل نقلی؛ مهمترین دلیل نقلی که ابن قتیبه نیز به آن استناد می‌کند، آیه شریفه ۹ سوره مبارکه حجر است که می‌فرماید «ما قرآن کریم را نازل کردیم و خودمان نگهبان و حافظ آن هستیم». ابن قتیبه در تفسیر این آیه شریفه می‌گوید «خداوند متعال حافظ و نگهدار قرآن از هرگونه زیاده و نقصان و تغییر و تحریف است» (ابن قتیبه، ۲۱۸). همچنین آیات شریفه ۴۱ و ۴۲ سوره مبارکه فصلت که مورد تصریح ابن قتیبه نیز هست، قرآن را با دو صفت عزیز یعنی شکست ناپذیر و غیرقابل رسوخ و نفوذ توسط باطل یاد می‌کند در واقع ابن قتیبه با استناد به آیه ۴۲ سوره فصلت[1] و توضیح آن، الفاظ قرآن را با عباراتی چون شریف، کریم، رفیع، بزرگ، رحمت، شفادهنده، نور و هدایت‌گر توصیف می‌کند (ابن‌قتیبه، ۱۱/۱). همچنین آیات تحدی نیز در این خصوص مورد استناد علمای شیعه و سنی در مورد مصونیت لفظی قرآن می‌باشد. از جمله آیه شریفه ۸۸ سوره مبارکه اسراء که می‌فرماید: [بگو ای پیامبر] اگر همه جن و انس متفق شوند که مانند این قرآن را بیارونـد، هرگز نمی‌توانند اگر چه پشتیبان یکدیگر باشند. همچنین مفسران به آیات دیگری از قبیل آیه رصد ۲۲ و آیه جمع ۲۴ نیز در این راستا استناد نموده‌اند. با توجه به اینکه آیات تحدی دلالت دارد که هیچ‌کس نمی‌تواند همانند هیچ یک از سوره قرآن کریم بیاوردبر مصونیت لفظی قرآن تصریح می‌کند (بابایی، ۲۱۱).

مخلص کلام اینکه مصونیت لفظی قرآن مورد تأیید و تصریح اولیای دین نیز بوده است. آنجا که امام‌صادق(ع) می‌فرمایند: «هر سخنی که با قرآن سازگار نباشد، بیهوده و باطل است[2]» (کلینی، ۷۸/۱).

---

۱. و شرّفه، و کرّمه، و رفعه و عظّمه، و سماه روحا و رحمة، و شفاء و هدی، و نورا.
۲. ما لَمْ یُوافِقْ مِنَ الْحَدِیْثِ الْقُرآنَ فَهُوَ زُخْرُفٌ.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

در این معیار هم میان عالمان شیعه و سنی از جمله ابن قتیبه اتفاق نظر وجود دارد.

٤ـ۳. جامعیت قرآن

درباره جامعیت قرآن در میان اندیشمندان اسلامی سه دیدگاه مطرح است. اول دیدگاه جامعیت مطلق است که قرآن را منبع تمام علوم بیان می‌کنند. دوم دیدگاه هدایتی است که رسالت قرآن را در امور هدایتی بیان می‌دارد که جامعیت قرآن یا مستقیم یا غیرمستقیم به واسطه سنت است. سوم دیدگاه حداقلی است که محدوده جامعیت قرآن را بیان امور اخروی تلقی می‌کند (ذهبی، ۳۱۷/۱). علما و مفسران شیعه بر این باورند که قرآن مستقلاً از جامعیت مطلق در بیان امور هدایتی برخوردار است که معارف آن در ظواهر و بطون آیات متجلی است، اما این جامعیت مطلق مختص معصومان(ع) است که به ظهر و بطن و تفسیر و تأویل آیات آگاه هستند و معارف دینی و غیردینی را از بطن و ظهر قرآن استخراج و استنباط می‌کنند. اما برای غیر معصومان، فقط به قدر درک و فهم و با بهره‌گیری از سنت کفایت می‌کند و توان درک جامع علوم و بطون قرآنی نیستند (صفوی، ۱۱۹). می‌توان ادعا نمود که از منظر اندیشمندان و مفسران، قلمرو جامعیت قرآن شامل دیدگاههایی چون بیان امور هدایتی، بیان حق و باطل، بیان علوم و معارف، بیان امور دینی و بیان امور دین و دنیا می‌باشد. نظر اخیر مورد اهتمام و تأیید مفسران می‌باشد که با محتوای قرآن‌کریم نیز تناسب بیشتری دارد. از طرف دیگر جامعیت قرآن منحصر در الفاظ ظاهری آن نیست، بلکه قرآن اموری را به تفضیل طرح نموده و اموری دیگر را به اجمال ذکر کرده و جزئیات آن را به سنت، اجماع و عقل؛ ارجاع داده است و گاهی هم فقط اصول کلی را بیان کرده تا راهنمای عقل و تجربه بشری برای فهم مراتب بالاتری از قوانین و سنن حاکم بر امور جهان باشد (حاجی و مهریزان، ۳۲). ولی مفسران سنی از جمله ابن قتیبه بر جامعیت مطلق قرآن و امکان درک آن از طرف عموم مسلمانانی که به مرتبه‌ای از تزکیه نفس رسیده‌اند تصریح دارند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

درباره جامعیت قرآن، ابن قتیبه به این حدیث شریف استناد می‌کند که حضرت رسول(ص) فرمود: «خداوند سخن جامع را به من عنایت فرموده است[۱]». از منظر ایشان قرآن‌کریم جامع علوم و معارف و دانش بشری در طول تمام اعصار می‌باشد و هیچ پرسشی نیست که پاسخ آن در قرآن نباشد و با گذشت زمان تمامی زوایای این کتاب آسمانی کشف و فهم خواهد شد (ابن قتیبه، ۱۲/۱).

در توضیح باید گفت که با اینکه یکی از نوادر ابواب حدیثی که در بین احادیث موجود در آنها تعارضی وجود ندارد، همین بحث جامعیت قرآن است ولی برخلاف نظر ابن قتیبه از منظر علمای شیعه باید گفت که:

الف) جامعیّت قرآن، در هدایت مردم خلاصه می‌شود و از روایات معصومان(ع)، بیش از این استفاده نمی‌شود. مثالهایی هم که در قرآن وجود دارد و در مورد سایر علوم است، در راستای همین هدایت است (سجادی، ۱۲۰).

ب) در بین احادیث، همسوییکامل وجود دارد و مکمل یکدیگرند و در نهایت، این نتیجه به دست می‌آید که قرآن، شامل علم ماکان و مایکون و ماهو کائن است که علم ماکان و مایکون روشن است، فقط در مورد ماهو کائن تفسیرهای گوناگونی در روایات موجود است. در برخی احادیث، بر احکام تطبیق گردیده و در برخی دیگر، تعبیر «خبرکم» آمده است که می‌توان به احوالات و اتفاقات صدر اسلام منطبق نمود، از قبیل جنگ و اتفاقات دیگر؛ و در پاره‌ای از احادیث، تعبیر به «حکم موارد اختلاف» شده است و سرانجام، در حدیثی، بر «آنچه در آسمان و زمین است» منطبق شده است (ابن حجر، ۲۷۲/۱).

ج) گرچه قرآن جامعیت به معنای بالا را دارد، ولی کشف و استظهار آن، با معصومان – علیهم‌السلام ـ است.

د) ابن قتیبه در کتاب تأویل مشکل القرآن بهره‌ای از علم امامان معصوم علیهم السلام ندارد (ذهبی، ۱۲۷/۲).

---

۱. أوتیت جوامع الکلم.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

٤ـ٤. جاودانگی دعوت قرآن

جاودانگی و جامعیت قرآن به مفهوم فرازمانی و فرامکانی بودن و عدم تأثیرپذیری آن از فرهنگ زمانه یا منبع هم عرض دیگری است (بابایی، ۱۶۷). عناصر جاودانگی قرآن کریم از قرار زیر هستند:

۱. وحی که دارای بعد ملکوتی و ماوراء بشری و از سرچشمه علم و اراده الهی است. نشأت از علم و اراده خدا به معنای ترسیم مصلحت‌ها از مفسده‌های بشریت در تمام ادوار است.

۲. شخصیت دریافت کننده وحی عصمت و علم و ختم نبوت توسط او که حاکی از جاودانگی قرآن است.

در خصوص دلائل جاودانگی، مستندات قرآنی فراوانی وجود دارد، از جمله آیه من بلغ (الانعام، ۱۹)، آیه بعثت (الجمعه، ۲-۳)، آیه تدبر (النساء، ۸۲)، آیه عزت و شکست‌ناپذیری (الفصلت، ۴۲-۴۳)، آیه حفظ (الحجر، ۹)، که به این موضوع تصریح نموده‌اند. این آیات مورد استناد مفسرین و علمای شیعه و سنی است (شاکر، ۱۱۵). همچنین محققان بر این باورند که صفات درونی قرآن چون اعجاز در لفظ قرآن، ژرفای واژگان، نوگرایی سبک، لطافت‌گرایی خردمندانه، عمیق بودن مطالب علیرغم موجز بودن آنها، هماهنگی با فطرت انسان، واقع‌گرایی و اعتدال، پیراستگی از شاخص و امثال آنها نیز حاکی از جاودانگی این معجزه خداوندی هستند (مودب، ۲۶۲).

ابن قتیبه در چندین جا بر جاودانگی قرآن کریم تأکید و تصریح دارد. او بر این باور است که همانطوری که دین اسلام، دین جاودانه و همیشگی است. کتاب آسمانی این دین نیز که در واقع معجزه آن محسوب می‌شود همیشگی و ماندگار بوده و محدود به زمان و مکان بخصوصی نیست (ابن‌قتیبه، ۳۷/۱).

علمای شیعه نیز بر جاودانگی دعوت قرآن تصریح دارند و در این باره روایات متعددی نقل شده است، که از جمله معروفترین آنها حدیث ثقلین است. حضرت رسول(ص) می‌فرمایند: «ای مردم من شما را با دو امانت گرانبها یعنی کتاب خدا و اهل بیتم ترک می‌کنم، این دو امانت از هم جدا نمی‌شوند تا این که روز قیامت کنار حوض کوثر به من ملحق شوند.» (مجلسی، ۱۱۷/۲۳).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

حضرت علی (ع) فرمودند: «کتاب خدا، قرآن، در میان شما سخنگویی است که هیچگاه زبانش از حق گویی کند و خسته نمی‌شود و همواره گویاست، خانه‌ای است که ستون‌های آن هرگز فرو نمی‌ریزد و صاحب عزتی است که یارانش هرگز شکست ندارد» (سیدرضی، خطبه ۱۳۳).

٤ـ۵. تفسیرپذیری قرآن

مشهور فقها و مفسران عامه و امامیه بر تفسیرپذیر بودن قرآن تصریح نموده‌اند و این قتیبه نیز بر این باور است که بجز حروف مقطعه که معنای آنها فقط نزد خدا و رسولش هست، آیات دیگر قابلیت تفسیر دارند. بخصوص آیاتی که مجمل یا متشابه هستند، نیاز به تفسیر و تأویل دارند (ابن قتیبه، ۵۹/۱). از این نظر چندان تفاوتی میان نظر ابن قتیبه و روایات شیعه وجود ندارد به جز اینکه شیعیان بر این باور هستند که امامان معصوم قدرت فهم مفاهیم آیات مقطعه را نیز دارند (قمی، ۲۱۸/۲).

مفسران بزرگ چه شیعیه و چه سنی در عرصه تفسیر موارد زیر را متذکر هستند:

۱. آیاتی که هم زمان بر معانی متضاد دلالت می‌کنند، و با تفسیر و ترجمان می‌توان به مفهوم حقیقی و درست آنها نزدیک شد.

۲. بدون وجود هیچ قرینه‌ای در آیات نمی‌توان احتمالی بودن معنا را در نظر گرفت و آیاتی که بدون وجود هیچ‌گونه تقدیری، همزمان بر دو معنای متضاد دلالت می‌کنند، نمی‌توانند قطعیت کلام را از بین برده و تنها یک معنا را به مخاطب انتقال می‌دهند.

۳. یکی از اعجازهای قرآن کریم، وحدت و انسجام موجود در آن است و همین ویژگی موجب پیش آمدن احتمالات متعدد و مختلف می‌شود.

۴. فهم مختلف یک آیه مبین آن است که قرآن کریم از زمان نزول تا به امروز به صور مختلفی تأویل و تفسیر شده است و بدین ترتیب در هر عصری قرآن با معانی جدید پاسخگوی نیازهای آن عصر است (سجادی، ۲۴).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

٤ـ۶. قابل فهم بودن قرآن

ابن قتیبه همانند مشهور مفسران بر قابل فهم بودن قرآن کریم تصریح نموده و شـواهد و قرائنی به شرح زیر ارائه می‌دهد:

٤ـ۶ـ۱. عقلایی بودن زبان قرآن

قرآن کریم بر اساس اصول محاوره عقلایی با مردم سخن گفته و دلیلی بر کاربرد شـیوه جدیدی در بیان قرآن وجود ندارد. بنابراین، همان‌گونه که محاورات دیگران قابل فهم است، آیات قرآن نیز فهم می‌شود و مخاطبان نیز فهم خود را درست می‌شـمارند. اگـر ایـن‌گونـه برداشت و فهم زبان قرآن شیوه‌ای نادرست یا مخالف با مراد خداوند از آیات می‌بـود لازم بود به روشنی به همه ابلاغ شود تا مردم دچار کج فهمی نشوند و هدف از نزول قـرآن، کـه هدایت مردم است، از میان نرود (ذهبی، ۱۶۴/۳).

٤ـ۶ـ۲. هماوردخواهی قرآن

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم برای اثبات حقانیت رسـالت خـود، مخالفـان را بـه آوردن کتابی همانند قرآن فراخوانده است. لازمه این فراخوان، قابل فهم بودن قرآن است تا مخالفان با فهم محتوا و آگاهی از جنبه‌های گوناگون اعجازی آن هماننـدآوری کننـد. اگـر قرآن قابل فهم نباشد یا فهم مخالفان قرآن بر خلاف مراد خدا و یا منـوط بـه تأییـد آن از سوی معصومیان علیهم‌السلامباشد، تحدّی و مبارزطلبی قرآن بـی‌معنـا خواهـد بـود؛ زیـرا منکران قرآن برای سخنان معصومیان اعتباری قائل نیستند (قیومی، ۳۱۸/۲).

٤ـ۶ـ۳. فراخوان تدّبر در آیات

خداوند تعالی در آیاتی تدبّر در قرآن را هدف نزول دانسته است[1]: این کتابی بـا برکـت است که بر تو فرو فرستادیم تا در آیات آن بیندیشند و خردمندان متذکر شوند. همچنین از

---

۱. کِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَیْکَ مُبَارَکٌ لِّیَدَّبَّرُوا آیَاتِهِ وَلِیَتَذَکَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ (ص، ۲۹)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

تدبّر در آیات ستایش کرده، و بر تدبّر نکردن در آن نکوهش نموده است[۱]: آیا در قرآن نمی‌اندیشند یا آنکه قفل‌ها بر دل‌ها(ی آنان) است[۲]؟ آیا در این گفتار (قرآن) نیندیشیدند یا آنکه چیزی برایشان آمده که بر پدران نخستین‌شان نیامده است؟ و نیز تدبّر در قرآن را راهی برای فهم یکی از ابعاد اعجاز قرآن دانسته است[۳]: آیا در قرآن نمی‌اندیشند (تا دریابند که) اگر از سوی غیر خدا می‌بود ناهماهنگی فراوانی در آن می‌یافتند. بر اساس این آیات، فهم قرآن و تدبّر در آن نه تنها امری ممکن، بلکه لازم و ضروری است (بابایی، ۱۶۲).

٤ـ۷. جواز اجتهاد در تفسیر قرآن

ابن قتیبه در این خصوص چنین نظر می‌دهد که کافی ندانستم که تنهاحدیث را به گوینده‌اش (کسی که اصل تفسیر از اوست) استناد دهم، زیرابه ایماء و اشاره‌های آنان اکتفا نکردم، بلکه حقیقت را مکشوف و واضح ساختم، از این رو به ناچار الفاظ را مقدم و مؤخر و کم و زیاد کردم و برای بعضی از آنها مثالهایی آوردم و نمونه‌هایی ذکر کردم تا برای شنوندگان به خوبی قابل درک باشد (ابن قتیبه، ۲۳-۲۴).

روایات شیعه نیز بر جواز اجتهاد در تفسیر قرآن تصریح دارند. از رسول خداصلی الله علیه و آلهو سلم روایت شده است که: «فاذا التبست علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن» (مجلسی، ۲۸۱/۱). با توجه به این که ظاهر از «الفتن» همه فتنه‌ها و «القرآن» همه قرآن است رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به طور مطلق در هر فتنه‌ای ما را به قرآن کریم ارجاع داده است؛ بنابراین باید در حد توان از هدایت معارف و احکام قرآن بهره گرفت؛ خواه معارف و احکام روشنی که نیاز به تفسیر ندارند یا معارف و احکام نیازمند تفسیر؛ همچنین حدیث متواتر ثقلین که تمسک به قرآن و عترت را شرط گمراه نشدن قرار داده است و نیز این سخنان امیرمؤمنان، علی علیه السلام: «علیکم بکتاب الله فإنه الحبل

---

۱. «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمّد، ۲۴)

۲. «أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءهُم مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءهُمُ الْأَوَّلِينَ» (المؤمنون، ۶۸)

۳. «أَفَلاَ يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِندِ غَيْرِ اللّهِ لَوَجَدُواْ فِيهِ اخْتِلاَفا كَثِيرا» (النساء، ۸۲)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

المتین و العصمة للتمسک» (همانجا، ۲۹۲) که مسلمانان را به کتاب خدا ارجـاع مـی دهـد، دلیل لزوم اجتهاد در فهم و تفسیر قرآن‌اند (کمالی دزفولی، ۱۶۲).

دلیل دیگر بر جواز تفسیر اجتهادی سیره عقلاست. روش عقلا در فهم مطالب هر کتابی این است که مطالب مبهم آن را با شیوه ای خاص روشن و معنای کلام و مـراد نویسـنده را آشکار می کنند. این سیره همان اجتهاد در فهم معنای کلام و مراد گوینده و نویسنده اسـت که همواره معمول بوده و خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلـه و سـلم آن را رد نکرده‌اند. قرآن کریم گرچه باطنی دارد که فهم آن با قواعد ادبی و اصول عقلایـی محـاوره ممکن نیست و از این نظر با کتاب‌های دیگر فرق دارد؛ ولـی ظـاهری نیـز دارد کـه روش تفهیم آن مانند روش تفهیم دیگر کتاب‌هاست و با این سیره جواز اجتهاد در فهم معنای متن و صحت روش تفسیر اجتهادی در تفسیر قرآن ثابت می‌شود. (مؤدب، ۱۵۹).

٤-٨. تفسیرپذیری متشابهات قرآن

براساس آیه ۷ سـوره آل عمـران، مجموعـه آیـات قرآنـی بـه دو بخـش محکمـات و متشابهات تقسیم شده‌اند. محکمات آیاتی هستند که در دلالت بر مرادشان محکم و اسـتوار هستند و اشتباه و غلطی بین معنی مراد و غیرمرداد موجود نیسـت. امـا متشـابهات آیـاتی هستند که با آن که بر مدلول لفظی خود دلالت می‌کنند و ظهور در معنای خود دارند ولی از نظر مقصد و مراد، دستخوش تردید و شبهه اند و دل به معنای ظاهری آنها آرام نمی‌گیـرد و زمینه فتنه‌جویی در آنها وجود دارد (صفوی، ۵۷). برخی از مفسـرین وجـود متشـابهات را سبب زنده و تازه ماندن دائمی قرآن می‌داننـد. (همانجـا، ۱۳۷). در عرصـهٔ تفسـیر، آیـات متشابه موجب تشتت و اختلاف نظر شده‌اند که آیا اینگونه آیات قابل تفسیر هستند یا خیر؟

شیعه به تفسیرپذیر بودن این آیات باورمند است هرچند که معدودی از مفسـران شـیعه، تفسیر آیات متشابه را در صلاحیت و توان امامان معصوم می‌دانند (حجتی، ۴۱۲). مشـهور علما در خصوص تفسیرپذیر بودن متشابهات به آیه ۱۶۲ سوره نساء و آیه ۴ سوره محمـد و این حدیث شریفه که در هر قرنی عادلان حامل دین اسلام خواهند آمد که باطل‌گرایان را از دین دور می‌سازد (قمی، ۲۴۹) استناد می‌کنند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

ابن قتیبه در خصوص این بحث، ابتدا آیه ۷ سوره آل عمران را ذکر می‌کند که در آن خداوند متعال صراحتاً به وجود آیات متشابه تصریح نموده است. سپس در توضیح چنین ادامه می‌دهد که متشابهات قرآن، آن باشد که تفسیر آن مشکل آید. زیرا نمودی جز آنچه هست دارد و به چیز دیگر شباهت یافته، پس کلام خدا هرگاه نمودی جز حق داشته باشد و به باطل همانند آید، آن را متشابه گویند (ابن قتیبه، ۱۳۹/۱).

با اینکه برخی از علمای شیعه و سنی، تفسیرپذیری متشابهات را انکار کرده‌اند و اینگونه آیات را شبیه حروف مقطعه یا آیات منسوخه تلقی می‌کنند. ولی مشهور مفسران از جمله ابن قتیبه آیات متشابه را نیز قابل تأویل و تفسیر می‌دانند. او بر این نظراست که برخلاف مقتضای بلاغت است که خداوند حکیم، کتابی را به عنوان دستور زندگی و راهنمای هدایت بر مردم عرضه بدارد، سپس به آنان بگوید که درون آن فرازهایی وجود دارد که حتماً قابل فهم نیست و راه رسیدن به آن به روی همگی شما بسته است و معقول نیست که چنین سخنی از خداوند حکیم صادر بشود (ابن قتیبه، ۷۲).

ابن قتیبه در کتاب خود تعداد آیات متشابه را تا پانصد مورد ذکر کرده است که مصادیقی چون خواب اصحاب کهف، زنده شدن مرغان به دست حضرت ابراهیم، معجزات پیامبران، جریان قیامت، حروف مقطعه و امثال آنها را شامل می‌شود (جربی، ۱۴۳/۲). البته اینگونه آیات و مصادیق برای اهل بصیرت و دانایی متشابه نیستند و می‌توان محتوا و منطق آنها را درک و بیان نمود.

۵ـ جایگاه احرف سبعه در تفسیر ابن قتیبه

از جمله مباحث مهم در خصوص تفسیر قرآن و آیات «سبعه احرف» می‌باشد. موضوع بر این روایت مبتنی است که رسول اکرم(ص) فرموده‌اند: «قرآن بر هفت حرف نازل شده به هریک از آنها که برایتان میسر است قرائت نمایید» (قمی، ۲۷۱).

غالب عالمان اهل سنت درباره مفهوم آن دچار تشتت آراء هستند و تا سی و پنج قول در این خصوص ذکر شده است (زمخشری، ۱۲۹).

علمای اهل سنت بر این باورند که روایاتی از پیامبر اکرم (ص) با تعبیر سبعه احرف نقل

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

شده است و بر متواتر بودن آن نیز مصر هستند و بر این باورند که ۲۱ نفر از صحابی پیامبر اکرم(ص) روایت نموده‌اند که قرآن بر هفت حرف نازل شده است (مودب، ۳۷). به نظر می‌رسد که گروهی از اندیشمندان اهل سنت نتوانسته اند تمایز بین قرآن و قرائات متعدد را بپذیرند و قائل به تواتر قرائات شده و قرائات را هم وحی منزل دانسته اند که این برداشت منطقآ درست نیست (همانجا، ۲۰۲).

روایات سبعه احرف که غالبآ در مصادر روایی اهل سنت آمده به دو گروه قابل تقسیم است: «در روایات دال بر نزول قرآن بر هفت حرف» و «روایات دال بر قرائت قرآن بر هفت حرف».

ابن قتیبه هر دو روایت را نقل و پذیرفته است. از نظر ایشان عدد سبعه حکایت از هفت وجه قرآن دارد که پیامبر (ص) آنها را مرحله به مرحله درخواست نموده است. وی حدیث مزبور را با ۶۴ مورد روایت که ۳۸ مورد آن نبوی و بقیه از صحابه هستند نقل کرده و بر متواتر بودن آن تصریح می‌کند (ابن قتیبه، ۴۱۵)، در حالی که تواتر آن در میان محدثان عامه نیز مورد بحث است حتی در مضامین روایت نیز میان علمای عامه اختلاف نظر وجود دارد. علمای شیعه نیز نه تنها متواتر بودن آن را نپذیرفته اند بلکه آن را در رتبه استفاضه نیز قرار نداده‌اند (صفوی، ۱۵۷).

محدثان و مفسران بزرگ شیعه بر این نظر متفق هستند که «قرآن بر حرف واحد» است و روایت «سبعه احرف» در صورت صحت سند، مربوط به لهجه‌های قرآن می‌باشد. نزول قرآن با اینکه متواتر است ولی نمی‌تواند «تعدد قرائات» داشته باشد و قرائت رایج بین مسلمین از آغاز نزول تا به امروز «قرائت عاصم» می‌باشد. آیت الله معرفت در این خصوص چنین نظر دارند که «قرائت مختار که در آن شرایط اعتبار و قبول وجود دارد، قرائت عاصم به روایت حفص می‌باشد که مجموع مسلمین نیز بر آن پای بند هستند و آن را از صدر اسلام تا کنون قبول نموده‌اند.» (بابایی، ۱۱۲/۲).

قرائت عاصم به جهت اسنادی که ذهبی آن را به روایت حفض بن سلیمان از عاصم و او از عبدالرحمن سلمی و او از حضرت علی(ع) نقل می‌کند، عالی‌السند است. (حجتی، ۲۱۴).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

ابن شهر آشوب هم نقل می‌کند که فصیح‌ترین قرائت، قرائت عاصم است کـه مطـابق بـا اصل می‌باشد (ابن‌حجر، ۳۱۸)؛ بنابراین قرائت قرآن، امری توفیقی است و بایستی براسـاس آنچه از پیامبر (ص) به صورت صحیح نقل شده است، انجام بگیرد.

در هرحال از منظر علمای شیعه به روایت «احرف سبعه» اشکالاتی به شرح زیر وارد است:

۱. سلسله سند آن در نهایت به ابوهریره منتهی می‌شود که نزد برخی از اهل سنت متهم به کذّب می‌باشد.

۲. حدیث سبعه احرف از جهت معنا و محتوا یـک سـو و در یـک جهـت نیسـت و در اساس مشخص نیست که حدیث مزبور مربوط به لفظ است یا معنا.

۳. به لحاظ تناقص محتوایی و شکلی حدیث غامض، ضعیف و غیرقابـل اعتمـاد اسـت (مودب، ۱۲۸).

۶ـ تنقید پیش‌فرض‌های تفسیری ابن قتیبه

علیرغم تشابهات متعددی که در پیش فرض‌های تفسیری ابن قتیبـه بـا سـایر مفسـران شیعه و سنی مشهود است ولی در مواردی نیز ضعف‌ها و کاستی‌هـایی دارد و قابـل نقـد و تردید که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف- پایبندی به قرائات سبعه: ایشان در تفسیر خود به قرائت‌های هفتگانه باورمند اسـت و متواتر بودن آن را حتمی و قطعی می‌داند و تواتر قرآن و قرائات سبعه را لازم و ملزوم همـدیگر می‌داند و بر تواتر آن ادعای اجماع نموده است (ابن قتیبه، ۲۸۲). در حالی که تعدادی از علمـای اهل سنت و بسیاری از علمای شیعه قائل بـه عـدم تـواتر قرائـات سـبعه هسـتند (فخـررازی، ۱۴۲/۱۱). در هر حال متواتر نبودن آن محرز می‌باشد چرا که برخی از قرائات از طریـق خبـر واحد منقول‌اند و قرائات با یکدیگر تعارض دارند و احتجاج هر قاری بـر قرائـت خـود و روی گردانی از قرائت دیگری، دلیلی بر عدم تواتر آنها از پیامبر(ص) بوده و معلوم می‌گـردد کـه آنهـا نتیجه اجتهاد شخصی قرّاء می‌باشند (مودب، ۱۹۱-۱۹۰).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

ب- ارتکا به آرای صحابه: ایشان در تفسیر خود همانند سایر تفسیرهای اهل سنت، به آراء صحابه و تابعین اتکا کرده و از اهل بیت به ندرت روایتی را نقـل کـرده اسـت. ضـمنا روایات را گاه مرسل و بدون ذکر سند و مأخذ ذکر نموده و در مـواردی حـدیث ضـعیف را بـا تعاضد برخی روایات به برخی دیگر تقویت نموده و روایات را نیـز گزینشـی ذکـر نمـوده و در شأن نزول روایاتی که مربوط به اهل بیت می‌باشد حق مطلـب را ادا ننمـوده اسـت همچنـین در مواردی روایاتی نقل کرده که با عصمت پیامبر (ص) در تعارض هستند و نیز روایـاتی آورده کـه با نص قرآن و برهان عقلی در تعارضند (بابایی، ۱۲۲). انگـار ایشـان در تفسـیر خـود عقـل را تعطیل کرده و حتی در مواردی با براهین عقلی ستیز هم نموده اسـت. همینطـور از کاسـتی‌هـای دیگر روش تفسیری وی برخورد نامناسب و تعصب‌آمیز با روایات مربوط به فضایل اهـل بیـت پیامبر(ص) است. مثلاً حدیث اعطاء باغ فدک از جانب رسول خدا(ص) بـه دختـرش حضـرت فاطمه(س) را منکر شده و آن را از جعلیات رافضیان تلقی نموده است (صقر، ۲۹۵). همـانطوری که بیان شد ایشان جز در مواردی بسیار اندک، به روایات اهل بیت پیامبر(ص) توجـه نکـرده و حتی گاه از روایات نبوی نقل شده در مصادر اهل سـنن نیـز غفلـت ورزیـده و فقـط بـه آرای صحابه و تابعان و عالمان اهل سنّت توجه داشته است.

۷- نتایج مقاله

قرآن کریم که بزرگترین منبع اعجاز و الهام در زندگی بشر بوده همواره مـورد توجـه و تأمل ویژه اندیشه‌ورزان و مصلحان و بزرگان عالم اسـلام بـوده اسـت. از جملـه مفسـران بزرگی بودند که تلاش وافری می‌نمودند تا معانی به ظاهر مشکل و غامض آیـات قـرآن را روشن نموده و مراد و مدلول آن آیات را کشف نمایند.

ابومحمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه دینوری نیز یکی از بزرگان تأویل و تفسـیر در قـرن دوم هجری قمری بوده است. ایشان از اهل سنت با گرایش حدیثی و مخالف معتزلـه بـوده است. تألیفات ایشان را بیش از شصت و پنج مورد ذکر کرده‌اند از جمله آثار سترگ ایشان

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

«تأویل مشکل القرآن» می‌باشد که عمدتاً در موضوعاتی چون قوت بیان عرب و گستردگی دایره مجاز این زبان، وجود قرآن و متشابهات آن و غور در قواعد و صناعاتی چون مجاز، استعاره، مقلوب، حذف، اختصار و امثال آنها می‌باشد. در این مقاله مبانی و قواعد تفسیری ابن قتیبه دینوری در کتاب مزبور بر اساس روایات شیعی مورد تأمل و تنقید قرار گرفت.

در خصوص مبانی علمی ابن قتیبه باید گفت که ایشان به علوم لازم چون آشنایی با واژگان عربی، نحو، صرف، اشتقاق، علوم بلاغی، معانی، بیان و بدیع قرائات، اصول دین، کلام، فقه، اسباب النزول و قصص تسلط وافری داشته است. همچنین سبک نوشتاری وی بیشتر ادبی است و او را سومین نویسنده بزرگ عرب بعد از ابن مقفع و جاحظ دانسته‌اند و این استعداد بیشتر از همه در کتاب «ادیب الکاتب» ایشان متجلی است. با این همه به نظر می‌رسد که در این خصوص ضعف‌هایی نیز دارد از جمله آن که در موضوعاتی که علم و آگاهی ندارد به حدس و گمان روی آورده طوری که از منظر برخی از بزرگان حدود یک چهارم مطالب کتاب «تأویل مشکل القرآن» این ضعف را دارد. همچنین حکایاتو روایاتی که در کتاب نقل کرده چندان موثق نیستند و درمواردی هم خلط مبحث نموده است.

درباره پیش فرض‌های تفسیری ایشان نیز باید گفت که تفسیر وی بیشتر صبغه فقهی دارد. ایشان ظواهر قرآن را حجت می‌داند و به اعتبار قرائات هفتگانه باورمند است. وی برای قرآن قداست خاصی قائل است و در تفسیر وی فقه عامه با گرایش حنفی نمود بیشتری دارد و قول صحابه و تابعین را در تفسیر آیات شریفه حجت می‌داند و از نظر ایشان قرآن تبیان همه چیز و همه معارف و احکام دین است. این نظر وی چندان درست نیست و از منظر شیعه حدیث ثقلین مبین این است که در کنار قرآن، اهل بیت نیز برای مصون ماندن از گمراهی لازم است. در تفسیر ایشان استفاده از غیر روایات اندک است و در نتیجه بخش عظیمی از معانی و مطالب قابل تفسیر مبهم و غامض مانده است. همین طور در اختلاف قرائت‌ها نیز ضعیف عمل شده است.

همچنین باید گفت که تفسیر وی شامل عبارات و موضوعات متعددی به عنوان مبانی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

صدوری تفسیر وی می‌گردد. از جمله این مبانی می‌توان مواردی مانند قدسی و الهی بودن نص قرآن، مصونیت لفظی قرآن، جامعیت قرآن، جاودانگی دعوت قرآن، تازگی همیشگی قرآن، تفسیرپذیری قرآن، امکان فهم قرآن که از اوصاف و هماوردخواهی و دعوت به تدبر در آیات این موضوع ثابت می‌شود، تفسیرپذیری متشابهات قرآن و امثال آنها را نام برد. هم چنین وی همانند مشهور علمای سنی بر این باور است که نزول قرآن بر هفت حرف می‌باشد، باوری که امامیه آن را مردود می‌داند و در کتب حدیث شیعه نقل و ثبت نشده است. در مجموع از منظر روایات شیعی پیش فرض‌های تفسیری ابن قتیبه ضعف‌ها و کاستی‌هایی دارد که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد. ایشان در تبیین مبانی صدوری فقط به ذکر روایات اکتفا کرده و از امور روشنگر دیگری استفاده نکرده است. همچنین در بیان اختلاف قرائت‌ها ضعیف عمل کرده و تنها در بعضی موارد به ذکر روایتی حاکی از قرائت دیگری برای آیه اکتفا کرده است. ایشان در بیان مفردات و مفاد آیات به صرف ادعا اکتفا کرده و مستندی معتبر و شاهدی روشنگر ارائه نداده است. در مواردی بدون نقل هیچ روایتی معنایی باطنی برای آیات ذکر کرده در حالی که بر اراده چنین معنایی از آیات، دلیلی وجود ندارد. وی به روایات اهل بیت پیامبر(ص) توجه نکرده و حتی گاهی از روایت نبوی نقل شده در مصادر اهل سنت نیز غفلت ورزیده است. همین طور ایشان در بررسی وضعیت سند روایات چندان دقیق عمل نکرده و به نظر می‌رسد که در نقل روایات گزینشی عمل نموده است. ایشان ذیل برخی آیات، روایاتی آورده که علیرغم مخالف برهان عقلی بودن، پذیرفته است و نه در صدور آن روایات از پیامبر اسلام(ص) تردید کرده و نه در توضیح معنا و منظور از آن روایات سخن گفته است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح‌المعانی، بیروت: دارالعلم، ۱۴۲۵ق.
۳. ابن تعزی بروی، عبدالله بن احمد، النجوم الزاهره، قاهره: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۴. ابن حجر، احمد بن علی، لسان المیزان، بیروت: دارالحیاء العلوم، ۱۴۲۰ق.
۵. ابن قتیبه دینوری، عبدالله مسلم، تأویل مختلف الحدیث، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۵ق.
۶. همو، عبدالله بن مسلم، تاویل مشکل القرآن، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۱ق.
۷. ابن ندیم، محمدبن اسحاق، الفهرست، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۱ق.
۸. ازهری، ابومنصور بن احمد، تهذیب اللغه، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۶ق.
۹. بابایی، علی اکبر، روش‌شناسی تفسیر قرآن، قم: پژوشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ش.
۱۰. بروکلمان، کارل، تاریخ الادب العربی، فرانسه: مکتبه الکلیات الازهریه، ۲۰۰۸م.
۱۱. جربی، محمد رمضان، ابن قتیبه و مقایسه البلاغیه و الادبیه و النقدبه، ریاض: محدثه، ۱۴۱۳ق.
۱۲. جوادی آملی، نزاهت قرآن کریم از تحریف، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۳ش.
۱۳. حاجی، حمزه؛ مهریزان، مهدی، معنا و قلمرو جامعیت دینی قرآن در پرتو آرای مفسران. تهران: فصلنامه پژوهش‌های اعتقادی-کلامی، ۱۳۹۱ش، سال دوم، شماره۵.
۱۴. حجتی، محمدعلی، شیوه‌های تفسیر، تهران: دفتر نشر کتاب، ۱۳۷۵ش.
۱۵. خطیب بغدادی، احمدبن علی، تاریخ بغداد، نجف: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
۱۶. ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، بیروت: دارالتراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین‌بن محمد، المفردات، تهران: العلمیه الاسلامیه، ۱۴۲۱ق.
۱۸. زمخشری، جارالله، تفسیر کشاف، قاهره: دارالثقافه، ۱۴۲۶ق.
۱۹. سجادی، ابوالفضل، خوانش‌پذیری متضاد برخی از آیات قرآن کریم در روند تفسیر و ترجمه آنها، تهران، پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، ۱۳۹۵ش، سال سوم، شماره ۲.
۲۰. شاکر، محمد، تاریخ تفسیر در اسلام، تهران: فروزان، ۱۳۸۰ش.
۲۱. صفوی، علی، مبانی و اصول تفسیر، تهران: انتشارات مدرس، ۱۳۹۱ش.
۲۲. صقر، سیداحمد، مقدمه بر تأویل مشکل القرآن، بیروت: منشورات دارالمکتبه الحیاء، ۱۳۹۱ش.
۲۳. فخررازی، حسین بن حسن، نهایه الاعجاز، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۹ق.
۲۴. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، بیروت: دارالعلم، ۱۴۰۵ق.
۲۵. قمی، ابوالقاسم، سفینه الابحار، تهران: مکتبه الرضویه، ۱۴۲۴ق.
۲۶. کمالی دزفولی، سیدعلی، قانون تفسیر، تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۹۵ش.
۲۷. مودب، سیدرضا، روش‌های تفسیر قرآن، تهران: سمت، ۱۳۹۰ش.
۲۸. همو، نزول قرآن و رویای هفت حرف. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.6.6]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]